

یادداشت سردیبر

در سال‌های اخیر همواره اثرات سوء تثبیت قیمت ارز در شرایط وجود تورم دورقمی در ایران بر تولید داخلی، اشتغال، کاهش رشد صادرات و افزایش سریع واردات و همچنین، تشدید وابستگی کشور به درآمدهای نفتی به دفعات مورد تأکید قرار گرفته و نسبت به آن بی‌توجهی شده است؛ اما از این مباحث نباید چنین نتیجه گرفت که رهاسازی کامل نرخ ارز — آن هم در شرایط تحریم اقتصادی، هدفمندسازی یارانه‌های انرژی و رشد روزافزون نرخ تورم و کسری شدید بودجه دولت — لزوماً تبعات مثبتی به همراه خواهد داشت.

علیرغم وضعیت مناسب درآمدهای ارزی و خفیف‌بودن تحریم، در دهه اخیر به بهانه کنترل تورم، از تعدیل نرخ ارز غفلت شده و آن هدف نیز به علت ناهماهنگی سیاست‌های مالی و پولی با سیاست ارزی، محقق نشده است. در شرایط خاص کنونی که اقتصاد ایران با شوک‌های داخلی و خارجی متعددی روبه‌رو است، رهاسازی قیمت ارز می‌تواند به انفجار قیمت‌ها — حتی در کالاهای غیرقابل مبادله نظیر مسکن — بینجامد و آثار اولیه مثبت آن در زمینه افزایش صادرات و کاهش واردات را خنثی کند. از این‌رو، مدیریت بازار ارز با توجه به نکات زیر ضرورت تام دارد:

۱. لنگر نرخ ارز تنها در کوتاه‌مدت و میان‌مدت — آن هم به شرط هماهنگی سیاست‌های مالی و پولی — تأثیرگذار خواهد بود.

۲. تثبیت اقتصادی، پیش‌شرط اعمال و توفیق سیاست تعدیل اقتصادی است؛ در غیراین‌صورت، این خطر وجود دارد که انفجار قیمت‌ها و نرخ ارز، دولت را وادار به توقف و یا حتی چرخش در سیاست‌های تعدیل اقتصادی کند.

۳. در شرایطی که دولت به دلیل تحریم و کسری بودجه و احتمالاً اجرای مرحله دوم هدفمندسازی یارانه‌ها، توان اندکی برای کنترل قیمت‌ها دارد، رهاسازی نرخ ارز بیش از آن که بر متغیرهای واقعی تأثیر بگذارد، بر تورم و گرانی اثر خواهد گذاشت و با توجه به مبنا بودن قیمت‌های دلاری در طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، مستلزم دور جدیدی از افزایش

قیمت انرژی و تورم در کشور خواهد بود.

۴. به دلیل مبنا قرار گرفتن نرخ ارز بازار آزاد در تعیین بسیاری از قیمت‌ها، لزوم کنترل این نرخ و کاهش آن تا سطح نرخ مبادله‌ای باید در دستور کار قرار گیرد تا افزایش قیمت‌ها در داخل، تأثیر مثبت افزایش نرخ ارز در گذشته را از میان نبرد.

مهدی تقوی

تابستان ۱۳۹۲

Archive of SID